

مقایسه نرخ آبستنی حاصل از پروتکل های مختلف همزمانی فحلی در گاو میش خوزستانی

زهرا نیسی^{*}، مرتضی ممویی، هدایت اله روشنفکر، صالح طباطبایی، محسن ساری

دانشکده علوم دامی و صنایع غذایی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

^{*} دانشکده علوم دامی و صنایع غذایی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، zahra_n2@yahoo.com

چکیده

در مطالعه حاضر نرخ آبستنی حاصل از تلقیح در زمان معین پس از همزمانی موج فولیکولی و تخمکریزی با روش های اوسینک + سیدر و کوسینک + سیدر در مقایسه با تلقیح پس از مشاهده فحلی در برنامه سلکت سینک + سیدر بررسی شد. در این تحقیق تعداد ۴۲ راس گاو میش سیکلیک، در مراحل نامشخص چرخه فحلی، با در نظر گرفتن سن و وزن به طور تصادفی در سه گروه قرار گرفتند. (۱) گروه اوسینک + سیدر ($n=14$)، تزریق GnRH در روز صفر و ۹، PGF2 α در روز ۷ و سیدرگذاری از روز صفر تا ۷. گاو میش های این گروه ۱۶ ساعت بعد از دومین تزریق GnRH تلقیح شدند. (۲) گروه کوسینک + سیدر ($n=14$)، روز صفر سیدرگذاری و تزریق GnRH، روز ۷ تزریق PGF2 α همزمان با خارج کردن سیدر و روز ۹ همراه با دومین تزریق GnRH تلقیح مصنوعی انجام شد. (۳) گروه سلکت سینک + سیدر ($n=14$)، تیمارهای هورمونی این گروه همانند دو روش قبلی بوده با این تفاوت که دومین تزریق GnRH وجود نداشته و تلقیح مصنوعی دام ها به دنبال مشاهده فحلی به مدت ۳ روز انجام گرفت. نرخ آبستنی در گروه اوسینک + سیدر ($12/53 \pm 2/28$)، کوسینک + سیدر ($13/87 \pm 5/0$) و در گروه سلکت سینک + سیدر ($12/53 \pm 2/28$) تفاوت معنی داری با یکدیگر نداشتند. نتیجه اینکه پروتکل کوسینک + سیدر با توجه به اینکه به طور غیرمعنی دار نرخ آبستنی بالاتری نسبت به دو روش دیگر ایجاد کرده و عدم نیاز به تشخیص فحلی و نیروی کارگر کمتر در مقایسه با دو روش دیگر برتری دارد.

واژه های کلیدی: همزمانی فحلی - نرخ آبستنی - گاو میش خوزستانی

مقدمه

مدیریت تولیدمثل و انتخاب در جهت افزایش باروری در گاو میش آبی نسبت به گاو کمتر انجام شده است (۱۰). استفاده از تلقیح مصنوعی در گاو میش در سطح دنیا به علت مشکلاتی که در تشخیص فحلی و پیدا کردن زمان موثر برای تلقیح وجود دارد، محدود است (۶). علاوه بر این، فاصله گوساله زایی طولانی در گاو میش اغلب ناشی از دوره عدم فحلی طولانی پس از زایش می باشد که عمدتاً به فعالیت تخمدان برمی گردد (۴). همزمان سازی فحلی (تخمکریزی)، روشی است که با به کارگیری آن، گروهی از ماده هایی که در گامه های گوناگون چرخه تخمدان (فحلی) هستند، در فاصله زمانی کوتاهی از یکدیگر (تقریباً هماهنگ)، فحل شده و تخمکریزی می کنند (۱). اجرای برنامه های همزمانی در گاو و گاو میش راه را جهت افزایش راندمان تشخیص فحلی و کارایی تلقیح مصنوعی در سطح گله هموارتر می سازد. به علاوه همزمانی فحلی از ملزومات اجرای برنامه های چند تخمک-ریزی ۳۳ و انتقال جنین ۳۴ می باشد (۲). جهت حداکثر کردن عمر تولیدمثلی، یک گاو میش باید ۹۰-۸۰ روز پس از هر زایش آمیزش داده شود و هر ۱۳-۱۳/۵ ماه یک دوره شیرواری جدیدی را آغاز کند. ترکیب این روش ها استفاده از تلقیح مصنوعی در طول

³³ Superovulation
³⁴ Embryo transfer